

سخنرانی مکتوب ماه رجب - استاد میرباقری

«در آستانه ماه بافضیلت رجب، روایتی را از کتاب اقبال-الاعمال مرحوم سید ابن-طاووس بیان می‌کنم و به توضیح اجمالی آن می‌پردازم؛ [۱]

از وجود مقدس رسول الله (ص) نقل شده است که فرمودند:

«إن الله تعالى نصب في السماء السابعة ملكاً يقال له الداعي فإذا دخل شهر رجب ينادي ذلك الملك كل ليلة منه إلى الصباح، طوبى للذاكرين، طوبى للطائعين، ويقول الله تعالى أنا جليس من جالسني، ومطيع من أطاعني و غافر من استغفرني، الشهر شهري و العبد عبدي و الرحمة رحمتي فمن دعاني في هذا الشهر أحبته، و من سألني اعطيته و من استهداني هديته و جعلت هذا الشهر حبلاً بيني و بين عبادي فمن اعتصم به وصل إليّ». [۲].

بنا بر مضمون این روایت، خداوند در آسمان هفتم فرشته ای به نام «داعی» [فراخواننده] [۳] قرار داده است که هرگاه ماه رجب فرا می‌رسد، هر شب تا صبح فریاد می‌زند: خوشا به حال ذاکران! خوشا به حال اطاعت‌کنندگان! [سپس فرشته از قول خداوند می‌گوید] خداوند می‌فرماید: من هم-نشین کسی هستم که هم-نشینم باشد، و مطیع کسی هستم که مرا اطاعت کند و آمرزنده کسی هستم که از من آمرزش بخواهد. ماه، ماه من، و بنده، بنده من، و رحمت، رحمت من است؛ پس هر کس در این ماه مرا بخواند اجابتش می‌کنم و هر کس از من بخواهد به او عطا می‌کنم و هر کس از من هدایت بخواهد هدایتش می‌کنم؛ و این ماه را ریسمانی بین خود و بندگانم قرار داده‌ام که هر کس به آن چنگ زند به من می‌رسد.

خداوند این شهر را رشته اتصال بین خود و بندگان قرار داده است؛ یک سر این رشته در اختیار بندگان و سر دیگر آن در محضر الهی است. اگر کسی به این رشته، معتصم شود، به مقام وصول الهی می‌رسد؛ از این-رو، ماه رجب، شهر وصول الی الله است؛ باطن این ماه مانند باطن قرآن و معصومین (ع)، ریسمان اتصال بین خدای متعال و مؤمنین است؛ روایاتی نیز با این مضمون آمده است که: ماه رجب شهر امیر-المؤمنین (ع) است همان-گونه که شعبان شهر رسول الله (ص) و رمضان شهر الله است. در معنای انتساب ماه رجب به امیر-المؤمنین (ع) احتمالات زیادی وجود دارد؛ به نظر می‌رسد همه امور عالم، ملکوتی دارد که این نکته شامل اوقات و زمان ها هم می‌شود؛ برای مثال، شب جمعه فقط یک ظرف طبیعی نیست، بلکه واقعیتی است که جایگاه خاصی در عالم دارد؛ در این زمان، ملائکه ای نزول پیدا می‌کنند، خیراتی نازل می‌شود و راه‌هایی به سوی باطن انسان گشوده می‌شود. سحر و

بین-الطلوعین هم همین-گونه هستند. این-که گفته شده است که نماز را در اول وقت بخوانید، یک «قرارداد» نیست که تنها با ملاک حرکت خورشید تنظیم شده باشد که اگر یک ساعت دیرتر شد فرقی نداشته باشد؛ یعنی حرکت خورشید، برای خود، مداری داشته باشد و بقیه امور عالم هم مداری داشته باشند! شب جمعه، زمان نزول ملائکه و هنگامی است که درهایی از رحمت گشوده شده و راه هایی باز می-شود، در ساعت بعد، این شرایط و فضا برای قرب فراهم نیست.

ماه ها هم این-گونه هستند؛ یک معنای انتساب ماه رجب به امیرالمؤمنین (ع) این است که ولایت حضرت در این ماه تجلی می-یابد و راه درک ولایت در این ماه گشوده می-شود. در این ماه می-توان از ولایت امیرالمؤمنین (ع) بهره مند و به وادی این ولایت وارد شد. به عبارت دیگر، می-توان به شفاعت حضرت امیر (ع) رسید؛ چرا که رجب، ماه شفاعت ایشان است و حضرت در این ماه برای هدایت انسان به ولایت خود، شفاعت می-کنند.

بنابراین، رجب یا ماه امیرالمؤمنین (ع) حبلی است که انسان را به مقام وصول می-رساند. یکی از تجلیات ولایت حضرت در باطن این ماه است. از این ماه درهایی به سوی درک این حقیقت [ولایت] گشوده شده است. در نتیجه، اعمال این ماه، اعمال بسط قرب و به عبارتی، راه هایی برای رسیدن به آن حقیقت منتشر شده در این ماه است. در ماه شعبان - که ماه نبی اکرم (ص) است - نیز انسان می-تواند با صیام و قیام به شفاعت نبی اکرم (ص) برسد؛ شفاعتی که طریق اتصال انسان به حقیقت توحید و قرب وصال است. هیچ کس بدون شفاعت نبی اکرم (ص) به درجات قرب نمی-رسد.

شخصی که نامش ابویمن بود بر حضرت ابوجعفر (ع) وارد شد و گفت: ای ابا جعفر! شما مردم را می-فریبید و به غرور در می-آورید و دائم می-گوئید: شَفَاعَةُ مُحَمَّدٍ، شَفَاعَةُ مُحَمَّدٍ!

حضرت امام محمد باقر (ع) در حالی که آثار غضب در سیمایشان مشهود شد، گفتند:

«ویحک یا ابا یمن! أَعْرَكَ أَنْ عَفَّ بَطْنُكَ وَ فَرَجَكَ؟! أَمَا لَوْ رَأَيْتَ أَفْزَاعَ الْقِيَامَةِ، لَقَدْ احْتَجَّتْ إِلَى شَفَاعَةِ مُحَمَّدٍ! وَيْلَكَ! فَهَلْ يَشْفَعُ إِلَّا لِمَنْ وَجِبَتْ لَهُ النَّارُ؟» [۴] وای بر تو ای ابو یمن! آیا همین قدر که شکم و فرج خود را عقیف نگاه داشتی، در غرور افتادی که از شفاعت بی نیازی! سوگند به خدا که اگر هول ها و ترس های روز قیامت را ببینی، هر آینه به شفاعت محمد محتاج خواهی بود! وای بر تو مگر او جز کسانی را که آتش بر آنها لازم شده است شفاعت می-کند؟

سپس فرمودند: «مَا مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ إِلَّا وَهُوَ مُحْتَاجٌ إِلَى شَفَاعَةِ مُحَمَّدٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»؛ [۵] هیچ-یک از پیشینیان و هیچ-یک از پسینیان نیست ، مگر آن-که به شفاعت محمد در روز قیامت، نیازمند است. [یعنی هر کسی متناسب با درجات خود و به شفاعت نبی اکرم (ص)، حقایق قیامت را درک می کند].

در روایت ماه شعبان آمده است که منادی نبی اکرم (ص) به دستور حضرت در مدینه ندا می داد: این ماه، ماه من است؛ من را به روزه این ماه کمک کنید. امیرالمؤمنین (ع) فرمودند: از وقتی این ندا را شنیدم روزه این ماه را ترک نکردم. در حقیقت، حضرت می خواهند شفاعت کنند و روزه یکی از رشته های شفاعت ایشان است؛ باطن صوم، ولایت و شفاعت نبی اکرم (ص) است؛ صوم به تنهایی خاصیتی ندارد، جز این که انسان را به شفاعت حضرت نائل کند. ماه نبی اکرم (ص)، ماهی است که رحمت و رضوان در آن منتشر است. در این ماه، می توان به مقام رحمت و رضوان رسید. این رحمت، رحمت رحیمیه یا همان مقام رضوان است؛ مقامی که از آثار رحمت رحیمیه خدای متعال است. به این ترتیب، راه رسیدن به مقام رضوان که فوق همه درجات بهشت است، به برکت نبی اکرم (ص) باز می-شود. به نظر می-آید که صیام و قیام نبی اکرم (ص) برای قرب و شفاعت بوده است. هر کس بخواهد به شفاعت حضرت برسد باید همان صیام و قیام را داشته باشد. با عبادت نبی اکرم (ص) درهای رضوان گشوده می شود؛ «بکم یسلک إلی الرضوان»؛ [۶] به واسطه نبی اکرم (ص)، مقام رضوان پائین آمده و قابل دست-رس شده است. حضرت در روایتی توضیح می دهند که این درخت طوبی شاخ و برگ های خود را فرود می-آورد تا مردم به آن متمسک شوند؛ منظور از این امر، در واقع همان شفاعت نبی اکرم (ص) است.

پس ماه رجب، ماه امیرالمؤمنین (ع) یا به تعبیر دیگر مهمانخانه رجب، مهمانخانه حضرت امیر (ع) است. اهل الله از این ماه می توانند وارد وادی ولایت شوند و پس از آن، به شهر نبی اکرم (ص) که شهر ضیافت و شفاعت ایشان است، برسند. سپس، کسانی که این دو وادی را طی کنند مقام توحید و شهرالله را در پیش خواهند داشت که ضیافتی خاص است؛ البته آن هم [وابسته] به ضیافت نبی اکرم (ص) است؛ هر چند که بساط دیگری است.

ولادت وجود مقدس و مسعود حضرت امیرالمؤمنین (ع) در ماه رجب واقع شده است و در پایان این ماه هم «بعثت» نبی اکرم (ص) روی داده است. این دو حقیقت در ماه رجب، جاری و ساری است و مقدمه ماه شعبان و رمضان هستند. مرحوم آقا میرزا جواد ملکی (رض) در رساله المراقبات می فرمایند: خوب است آقایان اهل علم، در کنار کسب علم که خودش نوعی عبادت است،

عبادت-هایشان را در این دو، سه ماه افزایش دهند؛ این ماه فضایی است که عبادات آن، آثار خاصی دارد. در این ماه دعوتی خاص هم آمده است و منادی الهی این-گونه همه را دعوت می کند: انا جلیس من جالسینی، مطیع من اطاعنی، غافر من استغفرنی ...، مرحوم میرزا جواد ملکی (رض) می گویند: اگر آدم به اندازه همه خلائق جان داشت خوب بود که به خاطر تکریم این خطاب و در استقبال به این خطاب الهی که «انا جلیس من جالسینی و مطیع من اطاعنی ...» جان بدهد!

رجب، مقدمه شعبان و رمضان است. آمادگی برای ماه رمضان و شعبان باید از این ماه حاصل شود. اگر حقیقت ماه رجب درک نشود، ورود به ماه شعبان و ماه مبارک رمضان مشکل است؛ بنابراین باید از مدخل ولایت حضرت امیر (ع) وارد شد؛ چرا که «أنا مدینه العلم و علی بابها». امیرالمؤمنین (ع)، باب نبی اکرم (ص) و باب-الله هستند؛ پس این ماه، مدخل است.

یکی از اساتید بزرگ ما می فرمود: هنگام جوانی در شب ۲۷ رجب یا شب غدیر در نجف به حرم رفتم؛ بین-الطلوعین شده و سپیده زده بود، مرحوم آیت الله فکور را دیدم. [۷] می خواستم به حرم بروم و ایشان در حال خارج شدن بود. مقابل کفش-داری شلوغ بود؛ ایشان کفش را گرفت و در کنار گوش من گفت: من سه روز است جز یک استکان چای چیزی نخورده ام. به من بر خورد! گفتم یعنی چه؟ یعنی این پیر مرد عابد در خانه حضرت امیر (ع) می گوید سه روز است جز یک استکان چایی نخورده ام؟ گفتن این حرف آن هم در کفش-داری حضرت امیر (ع) چه معنایی دارد؟ داخل حرم، گوشه ای ایستادم و سه ساعت زیارت غدیریه حضرت را خواندم، خسته شدم و از حرم بیرون آمدم و به منزل رفتم و خوابیدم. در خواب دیدم در حرم حضرت امیر (ع) هستیم؛ حرم خلوت بود و من هم گوشه ای ایستاده و زیارت می-کردم، حالتی در زیارت همان حال قبلی بود، اما دیدم آقای فکور بین زمین و آسمان با همه وجود، طواف و زیارت می کند؛ نه با زبانش، همه وجودش طائف و مشغول زیارت حضرت است. متوجه شدم که آن بزرگوار به من چه گفت: شما دیر آمدید! بین-الطلوعین است، شب مبعث گذشته است، باید از قبل مراقبه کنید. یعنی اگر مراقبه-ای از قبل نباشد انسان خسته می شود؛ اگر انسان تمهید قواعد نکند، تا چشم به هم بزند فرصت تمام می شود.

این دو ماه از یک طرف، به طور حقیقی و تکوینی مدخل ورود رمضان هستند؛ به نحوی که بدون این دو نمی شود وارد رمضان شد. از طرف دیگر، این دو ماه بستر و آمادگی برای ورود به ماه رمضان، و ماه رمضان هم بستر و آمادگی برای ورود به شب قدر است؛ یعنی باید این مسیر طی شود تا انسان به ليله-القدر برسد. ورود به آن وادی ضیافت، این دو سه ماه ریاضت را به عنوان مقدمه می طلبد؛ چرا که «من عرف فاطمه حق معرفتها فقد ادرک ليله القدر»؛ [۸] البته مقدمه اش توسل به امیرالمؤمنین

(ع) و نبی اکرم (ص) است؛ در قلب ضیافت الهی، معرفت حضرت زهرا (س) نهفته است، که انشاء الله این مقدمات می-تواند زمینه درک آن حقیقت باشد؛ باید توجه کرد که مقام ایشان مقام عجیبی است، بنابراین لازم است این وادی طی شود تا انسان به شب قدر برسد.

باید دقت داشت که «حمد» هم در آغاز نعمت و هم در پایان آن برای بهره مندی از نعمت لازم است. حمد در آغاز نعمت، مقدمه شکر و در پایان نعمت که فرصت ها تمام شده است، مقدمه استغفار است. حمد مقدمه تضرع و ابتهاج و رجاء و تمسک به فضل الهی است. اگر انسان در مدخل ماه رجب، حامد نباشد و نعمت خدا را نبیند و به این نعمت که خدای متعال در اختیار ما قرار داده است، توجه نکند، این نعمت کفران می-شود.

این فرصت ها بسیار مغتنم است. ان-شاء الله خدای متعال در این ماه-ها ما را به ولایت امیرالمؤمنین (ع)، نبوت نبی اکرم (ع) و به ضیافت خاص و درک لیله-القدر و عید فطر و برکات آن موفق بدارد».

[۱] - کتاب اقبال الاعمال به جامعیت کتاب مفاتیح-الجنان نیست ولی یکی از کتب مهم محسوب می-شود که باید از کتب پُر کاربرد طلاب و اهل علم باشد؛ حضرت آیه-الله بهجت (ره) فرموده بودند که اگر کسی با اقبال رفیق نباشد با ما رفیق نیست

[۲] - سید بن طاووس، اقبال-الاعمال، ص ۶۲۸.

[۳] - نام داعی یعنی مظهر این اسم است، و این دعوت، صرفاً حرف نیست، بلکه جذباتی از طرف او متوجه اهل راه می-شود و دعوت او، مظهر دعوت الهی می-باشد.

[۴] - تفسیر قمی، ص ۵۳۹.

[۵] - همان.

[۶] - زیارت جامعه کبیره.

[۷] - ایشان از علمای ابواب معرفت و آدم فوق-العاده‌ای بودند. بزرگواری نقل می‌کرد که استخاره های ایشان خیلی عجیب بود، و مرحوم آیت-الله بروجردی استخاره هایشان را به ایشان می‌دادند.

[۸] - علامه مجلسی، بحارالأنوار، ج ۴۳، ص ۶۵، و تفسیر فرات کوفی، ذیل سوره قدر.

اداره مطالعات معاونت تبلیغ